



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: اعظم کم گویان ۱۳۸۴ آذر ۹ دسامبر ۲۰۰۵

www.hekmatist.com



گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!

به گارد آزادی به پیوندید!

مردم آزادبخواه، جوانان کردستان! مردم انقلابی در کردستان، جوانان انقلابی و آزادبخواه!

به گارد آزادی به پیوندید. گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، نیروی دفاع از آزادی انسانها، نیروی دفاع از برابری انسانها، نیروی دفاع از حق برابر زن و مرد، نیروی دفاع از حق کودک، نیروی دفاع از آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، نیروی دفاع از آزادی کامل تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دست آورد های فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده، نیروی دفاع از حق شاد بودن و شاد زیستن انسانها است. گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند.

۱ - هر دو تا شش نفر که همدیگر را میشناسید و به هم اعتماد دارید مخفیانه یک گروه گارد آزادی تشکیل دهید.

۲ - برای گروه خود یک نام انتخاب کنید.

۳ - با ما تماس بگیرید. از طریق دوستان، آشنایان یا اقوام خود در عراق یا خارج کشور و یا هر شیوه مطمئن دیگری خود را به کمیته سازماندهی و فرماندهی گارد آزادی در کردستان متصل کنید.

۴ - از هر طریق که میتوانید خود را مسلح کنید.

کارگران جهان متحد شوید!

- ۵ - عوامل و امکان علنی و مخفی نظامی، انتظامی و جاسوسی رژیم را شناسائی کنید.
- ۶ - تلاش کنید فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه در محل را گسترش دهید.
- ۷ - در محله خود، نفوذ، اعتبار و محبوبیت کسب کنید. حافظ اصلی واحد های گارد آزادی نفوذ و محبوبیت آنها در میان مردم است.
- ۸ - تلاش کنید که در محل تان فرهنگ پیشرو حاکم باشد و بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان و تعرض به حقوق کودک و آزادی اندیشه و بیان مقاومت شکل بگیرد.
- ۹ - فضای محله را نسبت به تبلیغات قوم پرستانه آگاه و حساس کنید و این نیرو هائی که بر قوم پرستی و عقب ماندگی سرمایه گذاری میکنند را ایزوله کنید.
- ۱۰ - مطلقا بدون اجازه ما اقدام به عملیات یا نمایش نظامی نکنید.

مردم!

جمهوری اسلامی رفتنی است. اما خودش نمیرود باید دستش را از زندگی مردم کوتاه کرد. بعلاوه همه نیروهای مذهبی و قوم پرست، که تنها با به خاک سپاه نشاندن مردم میتوانند خود را به قدرت و ثروت برسانند، دست اندر کارند تا بر سرمایه گذاری بر نفرت قومی و مذهبی بر ویرانه های جامعه با زیر پا گذاشتن حرمت، آزادی و امنیت مردم و بر گرده کارگر و زحمتکش و مردم انقلابی کاخ قدرت خود را بسازند. به کردستان عراق نگاه کنید، به بغداد و فلوجه و رواندا و یوگسلاوی نگاه کنید. این آینده ای است که این نیروها در تدارک آن هستند. کارگر و زحمتکش و مردم انقلابی و آزادبخواه باید بتوانند مانع تبدیل سرنگونی جمهوری اسلامی به سیه روزی عمومی شوند.

برای ما کارگر و زحمتکش، برای ما مردم انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی باید با تضمین آزادی و برابری همه انسانها همراه باشد. مردم باید بتوانند آزادانه و آگاهانه و در یک محیط امن در باره نظام آینده حکومتی تصمیم بگیرند.

جمهوری اسلامی را باید به نیروی اعتراض و قیام مردم و به زیر پرچم آزادی و برابری انسانها انداخت. باید کردستان را به سنگر انقلاب ایران تبدیل کرد. باید همه مردم ایران، بجای صدای عقب ماندگی و قوم پرستی، صدای انقلاب برای آزادی و برابری انسان در ایران را از کردستان بشنوند.

برای تضمین این آینده، برای تامین و تضمین زندگی خود و فرزندانمان نمیتوانیم و نباید منتظر بمانیم که دستی از آسمان و یا از آستین این یا آن گروه و فرقه مذهبی و قومی و یا کشور دیگری در آید و ما را نجات دهد. ما خود باید نجات دهنده خود و تعیین کننده زندگی خود، خانواده و جامعه باشیم.

باید متشکل شد باید زمام زندگی خود را بدست گرفت.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

از طرف کمیته سازماندهی و فرماندهی گارد آزادی در کردستان

عبدالله دارابی

۱۳ آذر ۱۳۸۴ - ۴ دسامبر ۲۰۰۵

۱۶ آذر جمهوری اسلامی شکست را پذیرفت!

صفحه ۲

به این حزب باید پیوست

صفحه ۳

کثافت از سر و روی نظام سرمایه داری می بارد!

صفحه ۲

تامین فوری معیشت - زنده باد بیمه بیکاری!

صفحه ۳

کنفرانس میزگرد گفت و شنود

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۱۶ آذر جمهوری اسلامی شکست را پذیرفت!

تهران به مدت دو روز تعطیل اعلام شد. جمهوری اسلامی دلیل این تعطیلی را آلودگی هوا اعلام کرد! اما حتی دستگاه های تبلیغات اسلامی هم این را باور ندارند. همه میدانند که تهران از ترس ۱۶ آذر و

اعتراض دانشجویان و مردم تعطیل شد. اینکه رژیم اسلامی بعد از به اصطلاح احضار و ارباب فعالین دانشجویی، بعد از عر و تیز فراوان رئیس جمهور و کابینه برادران سپاه و گله حزب الله و انصار الله و غیره تصمیم به تعطیل تهران گرفت نشان آنست که رژیم در مقابل مردم چقدر زبون است.

جمهوری اسلامی با کابینه پاسداران و نیروهای انتظامی و چماق به دستان اش جرات نکرد با دانشجویان و با مردم روبرو شود. خود را پشت حجاب آلودگی قایم کرد. ابتدا گفتند که رئیس جمهور شان قرار است روز

۱۶ آذر در دانشگاه تهران سخنرانی کند. رئیس جمهور را بجای دانشگاه تهران روانه مکه کردند و کل شهر تهران را هم تعطیل کردند.

تعطیل ۱۶ آذر نشانه قدرت همان جوانان و دانشجویان است که میتوانند محمل عروج رادیکالیسم چپ در جامعه شوند. ۱۶ آذر تظاهراتی در تهران اتفاق نیفتاد. اما جوانان و دانشجویان رژیم را وادار کردند که شهر را تعطیل کنند! این پیروزی ما بر رژیم اسلامی است. بدون تظاهرات، بدون شعار و بدون درگیری با کسی، از ترس ما رژیم شهر را تعطیل کرد. زدوخورد

زنده باد دانشجویان و مردمی که رژیم را به این فضاخت کشاندند

زنده باد آزادی، زنده باد برابری،

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری -
حکمیست

۱۶ آذر ۱۳۸۴

کثافت از سر و روی نظام سرمایه داری می بارد! سالیانه ۱۲ میلیون کودک بر اثر بی غذایی جان خود را از دست میدهند!



حسین مرادیگی
(حمه سور)

مردم را تولید کنی، بخواهی کمبود غذایی رنج می برند. سالیانه ۱۲ میلیون کودک، به همین "سادگی"، از بی غذایی میمیرند، کودکانی که قرار است از دنیایی که به آن پامیگذارند، لذت ببرند. در هر دقیقه یک کودک زیر ۱۵ سال از بیماری ایدز میمیرد. در عوض دولتهای سرمایه داری دهها میلیارد دلار خرج گسترش زرادخانه ها و سلاحهای کشتار جمعی خود میکنند. در عصر فراوانی، در عصر پیشرفت تکنولوژی، وسایل تولید این نیازهای بشری عاقل و باطل افتاده اند. میلیونها تن مواد غذایی، کره، پنیر، نان و غیره در انبارهای کشورهای اروپایی و غرب دارند فاسدمی شوند در بخشی از جهان مردم از بی غذایی می میرند. در آفریقا و دیگر کشورها بر اثر قحطی و گرسنگی محض جان خود را از دست می دهند. همزمان میلیونها انسانی را که حاضرند این وسایل تولید راه بیاندازند و نیازهای فوری بشر را تولید کنند، بعنوان ارتش بیکاران از دست رسی به این وسایل دور نگهداشته اند. کارخانجاترا تعطیل و کارگران را فوج فوج بیکار میکنند. حقوق معوقه کارگر را نمی دهند. پلیس و تفنگچیهای خود را گذاشته اند تا اگر کارگران خواستند به این مراکز کار برگردند و آن را راه بیاندازند، بر روی آنان شلیک کنند. مبادا این کمبودها را رفع کنند! بخواهی نیازهای جامعه و

این نظام بدون اینکه بکشد، بدون اینکه معلول کند، بدون اینکه از کار بیاندازد و بیکار کند و فجاج ناشی از بیکاری را به انسانهای این جامعه تحمیل کند، نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. باید انسان و انسانیت و خوشبختی و رفاه انسان را انکار کند، باید از بهداشت و حق زندگی و مسکن و امنیت اقتصادی و اجتماعی تا اوقات فراغت و آسودگی و حق دانش و بهرمندی از هنر و موسیقی و تفریح بخش عظیمی از ساکنین این کره خاکی را بزند، تا بتواند خود را سرپا نگهدارد. نظام اقتصادی کوری که خارج از اراده بشر، خارج از تعقل و تفکر و خواست بشر سر نوشت انسانهای این کره خاکی را در چنگال خود گرفته است و آن را مطابق نیازهای سود و بازار سرمایه رقم میزند.

با گسترش سرمایه، فقر نیز جهانی شده است. فقر اکنون به آفریقا و دیگر کشورهای "جهان سوم" محدود نمیشود، به پایتختهای مهد سرمایه داری، به لندن، نیویورک، نیواورلئان، پاریس و برلین کشیده شده است. منت میگذارند سرت اگر در متروها باز بگذارند که در آن بخواهی واز سرما خشک نشوی! تعداد کارتونها خوابها در پایتختهای کشورهای سرمایه داری در تهران و لندن و پاریس هر روز دارد افزایش می یابد. در کنار تحمیل این بی مسکنی و بی غذایی به اکثریت مردم جهان، سازماندهی فحشاء، اسلامی و غیراسلامی آن، و فروش مواد مخدر شغل "شریف" سرمایه دار شدن است. این نظام بدون تحمیل کارخانگی به اکثریت عظیم مردم، بدون فرودستی زن نمیتواند سرپا بماند. کودکان را وسیعاً به کار میگیرند، پیران را دور میاندازند. سازشکاری را بالا می برند که اگر کسانی شانس آوردند و زنده ماندند از قبل کار خود باقی عمر پیری خود را با گرسنگی و مرگ دست و پنجه نرم کنند.

رئیس صندوق سازمان ملل تاکید کرد که هر سال ۱۲ میلیون کودک زیر ۵ سال به علت فقر اقتصادی و کمبود مواد غذایی جان خود را از دست میدهند و در هر دقیقه هر کودک زیر ۱۵ سال بر اثر بیماری ایدز جان خود را از دست میدهد. اینها و دهها مورد دیگر از وضعیت صدها میلیون انسانی که زیر خط فقر زندگی میکنند، تازه گوشه هایی از واقعیت امروز نظام سرمایه داری است که به سابتها و روزنامه های مختلف راه پیدا میکنند. واقعیت زندگی انسان زیر نظام سرمایه داری از خود این آمارها که گوشه ای از آن را منعکس میکنند، تلخ تر و وحشتناک تر است.

کثافت از سر و روی این نظام می بارد. صدها میلیون انسان مسکن ندارند. بهداشت ندارند. غذای مناسب ندارند، به توالی! دسترسی ندارند. خوشی و شادی را از آنها گرفته اند. زندگی را برای آنها به یک عذاب واقعی تبدیل کرده اند.

گمونیست
را تکثیر
و پخش
کنید!

نه قومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی

به این حزب باید پیوست از سخنرانی در کنفرانس بریتانیای حزب



koorosh.m.odarrei@gmail.com

کوروش مدرسی

سپتامبر ۲۰۰۵

رفقا

ابزارهای کنترل مردم، البته با تغییر نام از اسلامی به ملی یا شاهنشاهی، میگردد. طرح رفتارند و امید به آمریکا همه در این راستا هستند.

از طرف دیگر در چپ جامعه پرچمی هست که سرنگونی، یعنی خواست اکثریت مردم، به نفع جنبش آزادی خواهانه و برابری طلبانه طبقه کارگر تعریف میکند. سرنگونی را طوری تعریف میکند که بتواند حضور این تشکیلات و فعالیتش در آکسیون های ضد جمهوری اسلامی و در امر دفاع از پناهندگان کاملاً مشهود است.

اما حزب ما بسیار بزرگتر از این واقعیت است. این حزب فقط یک سری آکسیون علیه جمهوری اسلامی یا تلاش برای کمک به پناهندگان یا کارگران نیست. این حزب یک پرچم است. یک واقعیت سیاسی است. به نظر من این حزب مهمترین درپچه امید رو به یک آینده آزاد، برابر و انسانی در ایران است.

انقلاب برای دنیای بهتر.

البته عده دیگر هم هستند که مناقب "انقلاب" روضه میخوانند و سینه میزنند. حواس مردم را از جنگ واقعی پرت میکنند. اینها پرچمی نیستند، به پرچمی هم احتیاج ندارند عملاً به همان که هست، یعنی پرچم راست، رضایت میدهند.

حزب ما تنها حزبی در همه اپوزیسیون است که اعلام میکند صرف رفتن جمهوری اسلامی درد مردم را دوا نمیکند. از نظر ما قرائت نیست فقط از بالا یک آخوند، یک ژنرال، یک رئیس جمهور و یا شاه دیگری سر کار بیاد. ما باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و مواد منشور سرنگونی را فوراً بعنوان قانون اعلام و با قدرت اجرا کنیم تا مردم امکان انتخاب آگاه و آزاد نظام حکومتی آینده ایران را داشته باشند.

حزب ما یک پرچم سیاسی را بلند کرده که از طریق آن میتواند نه تنها جمهوری اسلامی را سرنگون کند بلکه چشم مردم را به امکان یک آینده روشن، شاد، یک زندگی آزاد، برابر و مرفه باز کند.

اما این همه قضیه نیست. خیلی

تامین فوری معیشت زنده باد بیمه بیکاری!



mostafa.asadpor@gmail.com

مصطفی اسدپور

اخیراً همه کارگران یک کارخانه ماکارونی سازی به نام کارخانه "تاویز" حکم اخراج خود را دریافت نمودند. بنا به خبر مربوطه در رسانه کارگر جمهوری اسلامی، خشم کارفرمای کارخانه از کارگران منجر به اخراج آنها گردیده است! کارگران که جملگی زن هستند، بعد از سالهای طولانی سابقه کار، جانشان از کاری شایسته روزی بدون هیچگونه مزایای قانونی و تنها در ازای ۴۰ تا ۱۱۰ هزار تومان دستمزد، به لبشان رسیده بود. صاحب کارخانه در واکنش به مراجعه کارگران به خانه کارگر استان ایلام جهت درخواست رسیدگی، تولید را تعطیل و جملگی کارگران را یکجا از کار بیکار کرد!

داستان زندگی این گواه لجنزاری است که سرمایه داری در قرن بیستم و یکم برای مردم مهیا ساخته است. بحران این مناسبات، توحش را به اوج تازه تری میرساند و این مناسبات، ضرب در حکومتی از نوع جمهوری اسلامی، دیگر کمتر از یک بختک و یک کابوس سیاه نیست. زنان شرافتمند کارگر کارخانه تاویز و شمار بسیاری از هم طبقه ای های آنها در اقصای نقاط ایران، گواه این ادعا هستند. همان معیشتی که این کارگران را وامیداشته در ازای دستمزدی حقیر تن به بردگی آشکار بدهند، همان نیاز و معیشت این کارگران را وادار میسازد که چاره ای بیابند. بعید نیست که جمعی از همین کارگران را در صف انتظار برای رسیدگی مراجع "قانونی" ببایم. لابد جمع تجربه دارتری از آنها، بنا به الگوهای جاری، راه چاره دیگر، تجمع جلوی کارخانه و یا بستن جاده جوار کارخانه را پیش پای خود قرار دهند. طبیعی بنظر میرسد که کارگران خواست باز شدن مجدد کارخانه، بازگشت به کار، و اگر زورشان بچربد، خواست افزایش دستمزدها را مطالبه کنند. بقیه سناریو را

در مقابل این شرایط، طبقه کارگر ایران به یک لشکر زخم خورده و فرسوده ای شباهت دارد که مداوماً مجبه های جنگ تازه تری را به او تحمیل میگردد. این کارگران، صد البته، محق اند برای افزایش دستمزدها و یا بهبود شرایط کار شمشیر بزنند. لغو قراردادهای موقت، صد البته در صدر خواستهای کارگران ایران قرار دارد. مبارزات فعلی کارگری، و با خواستهای کمابیش در چهارچوب ذکر شده بسیار گسترده هستند. اما نتایج بدست آمده جنگی بدل نمیزند. در میان خواستهای کارگران، و در مبارزات جاری، جای مطالبه بیمه بیکاری که بتواند مجبه گسترده ای را در مقابل دولت و سرمایه داران باز کند، بشدت خالی است. بیمه بیکاری به این معنا که همه افراد آماده بکار، اعم از زن و مرد باید فوراً از یک حداقل شایسته معاش برخوردار گردند. زانی که در فرار از قوانین و سنن مذهبی و ستمگرانه یا پدیده های جهنمی مثل ازدواجهای اجباری و تن فروشی دست و پنجه نرم میکنند نیز تحت چنین چتری راه نجات فوری برای خود میابند. خواست بیمه بیکاری مجبه های نبرد کارگری را از کارخانه ها بسمت محلات نیز گسترده میسازد. زن و مرد، شافل و بیکار و بعلاوه تمام اعضای خانوارهای کارگری در خواستی مشترک، در مقابل جمهوری اسلامی میتوانند قرار بگیرند.

اما مساله مهم در مطالبه بیمه بیکاری، در جنبه سیاسی آن نهفته است. کارگران، همه کارگران، این خواست را مستقیماً در مقابل خود دولت قرار میدهند. هیچ عذر و بهانه ای را نخواهند پذیرفت. تعطیلی کارخانه ها، بحران، و استدلالهای مشابه در مقابل سفره خالی خانواده از کوچکترین وقعی برخوردار نیست. همه عمر کارگر سنگ زیر آسیاب بوده و جان کنده، سودش را دولت و جناب سرمایه دار به جیب زده، حالا دیگر تا نوبت بعدی که انشاءالله دوباره همه چیز روبره میشود باید کارگر را تامین کرد! همین و بس! اگر پول هست و کماکان همه، از جناب سرمایه دار تا حزب الله لبنان، از آن بهره مندند کلاه کارگر و زحمتکش جامعه نباید به "فلک الافلاک" پرتاب شود! اینگونه حق بجایی چیزی است که طبقه کارگر دقیقاً در این شرایط بحران اقتصادی رژیم به آن نیاز دارد.

تلاش جمهوری اسلامی در اینست که عواقب بحران را بر سر کارگران خراب کند. کارگری

زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی

گفت و شنود بار رهبری حزب حکمتیست

عبدالله دارابی، مهرنوش موسوی، کورش مدرسوی
شنبه ۱۰ دسامبر، ساعت سه بعدازظهر
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری-حکمتیست (کمیته استکلهم)

تلفن تماس:

۰۷۰۸۳۰۳۰۳۵

محل kista träff

میز گرد اوضاع سیاسی ایران روندها و آلترناتیوها

حسین باقرزاده تحلیلگر سیاسی و فعال حقوق بشر
آذر مدرسوی از رهبری حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
مهرداد خوانساری از رهبری مشروطه خواهان - خط مقدم

شنبه ۱۰ دسامبر -

لندن ساعت ۴ بعداز ظهر
The Resource Centre (Room: Lewis Suite)
۲۵۶Holloway Road
Tube Station: Holloway Road

تشکیلات بریتانیا حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

۲۸ و ۲۹ ژانویه در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود.

با شرکت در این کنفرانس از نزدیک با فعالیتهای و سیاستهای حزب حکمتیست در خارج کشور آشنا شوید. در این کنفرانس در بطن تحولات سیاسی نقش حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن مورد بحث قرار میگردد.

جهت ثبت نام با ای میل تماس hekmatist.aboard@gmail.com

شماره تلفن

781 590 22 37 (44)

شرکت برای عموم آزاد است

فقیرتر و محروم تر و کم توقع تر، حاصل حل بحران بنفع دولت خواهد بود. جنبه مهمتر برای جمهوری اسلامی مهار زدن عواقب سیاسی این بحران است. کارگر و اعتصاب کارگری در این شرایط توانایی و ظرفیت مهار جنبه های اقتصادی این بحران را ندارد. کارگران و اعتصاب آنها قادر به سرپا نگهداشتن کارخانه ها نخواهد بود. و اتفاقاً جنبه مهمتر اینست که کارگر نباید "به خیر گذشتن بحران" را امر خود بداند، به آن دل خوش کند، و احیاناً به هر طریق ممکن به آن کمک کند. البته کارگر باید بحران را با کمترین مشقات پشت سر بگذارد، البته که این امری فوری است. اما در عین حال برای سعادت امروز و فردای کارگر ایرانی هیچ هدف و منفعتی فوری تر از پایان حکومت اسلامی سرمایه داران نیست. این طبقه با چشم باز و آگاهانه سیاستها و نبردها و تاکتیکها و شعارهای خود را برای

فقرتر و محروم تر و کم توقع تر، حاصل حل بحران بنفع دولت خواهد بود. جنبه مهمتر برای جمهوری اسلامی مهار زدن عواقب سیاسی این بحران است. کارگر و اعتصاب کارگری در این شرایط توانایی و ظرفیت مهار جنبه های اقتصادی این بحران را ندارد. کارگران و اعتصاب آنها قادر به سرپا نگهداشتن کارخانه ها نخواهد بود. و اتفاقاً جنبه مهمتر اینست که کارگر نباید "به خیر گذشتن بحران" را امر خود بداند، به آن دل خوش کند، و احیاناً به هر طریق ممکن به آن کمک کند. البته کارگر باید بحران را با کمترین مشقات پشت سر بگذارد، البته که این امری فوری است. اما در عین حال برای سعادت امروز و فردای کارگر ایرانی هیچ هدف و منفعتی فوری تر از پایان حکومت اسلامی سرمایه داران نیست. این طبقه با چشم باز و آگاهانه سیاستها و نبردها و تاکتیکها و شعارهای خود را برای

اگر کسی مسئله اش مبارزه است و مسئله اش نجات از چنگال فقر و استثمار و سرکوب بی حقوقی است باید به این حزب بپیوندد. آنچه که امروز در بریتانیا مبینید دریچه ای کوچک، و بسیار کوچک، به یک واقعیت بزرگتر است. این حزب یک واقعیت است. در نتیجه اگر کسی که میخواهد کاری بکند، جایش در این حزب است. و اگر کسی خبر ندارد صدایش کنید و بگوئید جایش در این حزب است.

وقت تلف کردن دیگر امکان ندارد. اگر حواس مان را پرت کنیم یک جمهوری اسلامی یک شاهنشاهی دیگر، یک آخوند دیگر، یک شیخ دیگر، یک ژنرال یا رئیس جمهوری از قماش جلال طالبانی را روی سر مردم خراب میکنند. ایران را تبدیل به یک عراق به مراتب بدتر خواهند کرد. مردم را خانه خراب میکنند. کاری میکنند که صبح تا شب در اهواز، تهران و بندر عباس و مشهد بر سر هر کوچه و خیابانی بمب گذاری شود. شیرازه زندگی اجتماعی و مدنی به هم پیاشد. تهران از بغداد بدتر میشود. آن چه که در بغداد در جریان است، اگر ایران این اتفاق بیفتد، یک بازی بچه گانه خواهد بود. چندین نسل تباه میشوند.

و این حزب، بخشی از جریانی است که امروز در بغداد و بصره و عماره دارد با آمریکائی ها و اسلامی دست و پنجه نرم میکند. کارگران را متشکل میکند، کنگره آزادی عراق را سازمان میدهد.

این حزب یک واقعیت سیاسی و ایزکتیو است. و این به همت همه رفقائی که طرف یک سال گذشته تلاش کردند عملی شده است. اما پایه های این حزب عمیق تر از یک حزب یک ساله است. این حزب اما روی شانسه منصور حکمت ایستاده است و قدرتت را از مکتب و سنت فکری و تاریخ مبارزاتی او و از مکتب مارکس و لنین میگردد.

و مسئله اش نجات از چنگال فقر و استثمار و سرکوب بی حقوقی است باید به این حزب بپیوندد. آنچه که امروز در بریتانیا مبینید دریچه ای کوچک، و بسیار کوچک، به یک واقعیت بزرگتر است. این حزب یک واقعیت است. در نتیجه اگر کسی که میخواهد کاری بکند، جایش در این حزب است. و اگر کسی خبر ندارد صدایش کنید و بگوئید جایش در این حزب است.

ما میخوانند ادعا را کنند که میخواهند این کار را بکنند. نکته مهم این است که حزب ما واقعا حزبی است که میتواند این کار را انجام دهد. این را نه تحلیل من بلکه فاکت ها و واقعیات ایزکتیو میگویند. لابد هر کس حزب خودش را دوست دارد و فکر میکند که این کار از آن ساخته است. بحث من این است که حزب ما بیشتر از تحلیل خودمان در مورد خودمان یک واقعیت ایزکتیو روی زمین سفت است.

این حزب، حزب خاصی است. این حزب حزبی است که امروز، همین چند روز پیش اعضای رهبری اش در اطراف شهر مرپوان و در اطراف شهر سنندج با اتکا به نفوذ توده ای شان و با اتکا به قدرت حفاظت نیروی مسلح اش، بصورت علنی، حضور یافته و با مردم گفتگو کرده و سخنرانی نموده است. و این کار را چندین روز ادامه داده است. حزبی است نفوذ توده ای رهبران آن و قدرت نیروی مسلح اش در کنار هم نیروهای جمهوری اسلامی را فلج کرد. این حزب، حزبی است که نیروی مسلح اش، گارد آزادی، را اعلام کرده است. نیروئی که همه میتوان به آن پیوست و ضامن امنیت و آزادی مردم و مانع عراقیزه شدن اوضاع ایران خواهد شد. این حزب، حزبی است که میخواهد و میتواند ظرف یک سال آینده نیروی مسلح اش و حضور سیاسی و تشکیلاتی اش را چند

صد برابر کند. و این کار را خواهد کرد.

گارد آزادی تنها متعلق به کردستان نیست اما در کردستان هم گارد آزادی دیگر نیروی پیشمرگ سنتی کرد نیست. در انقلاب آتی این ایران گارد آزادی نقش انقلابیون مسلح تبریز در انقلاب مشروطه را بازی خواهد کرد. هیچ نیروی مسلح دیگری در صحنه سیاست ایران و کردستان این پتانسیل را ندارد. ما این کار را خواهیم کرد.

ما تهران و شهرهای اصلی ایران و مراکز صنعتی را به کانون های مبارزه کمونیستی این خط تبدیل خواهیم کرد. انجام این کار را کمیته تشکیلات داخل ما، سازمان جوانان حکمتیست، کمیته کردستان، من و رفقائی مانند عبدالله دارابی و مجید حسینی تضمین میکنیم. یکسال آینده کردستان را به محل پایگاه نفوذ کمونیسم تبدیل میکنیم. کردستان، هم برای ما و هم برای بورژوازی، دریچه قدرت به ایران است.

این حزب، حزبی است که اسیر گرفته شده از جنبش طبقه کارگر را به همت اعتراض، به همت حمایت سراسری طبقه کارگر، در دنیا، از حلقوم جمهوری اسلامی بیرون میکشد. کارگری که سرش را بالا گرفت و گفت من آزادی میخواهم، من برابری انسانها را میخواهم، مخالف استثمار هستم و میخواهم آدمها در برخورداری از

صداقت و ریشه اش در جامعه بسیار عمیقتر و عظیمتر است. این حزب یک نفوذ توده ای، یک خط، یک قابلیت و یک پتانسیل است.

به نظر من قدرتمند ترین جریان چپ جامعه ایران امروز این حزب است. این ادعا را نه با تحلیل، با آدم، با اسلحه، با نفوذ توده ای، با تعداد آدم های که حاضرند برای رهبران آن به کام هر خطری بروند، با تعداد آدمهایی که دوستش دارند، با تعدادی که میتوانند به آن به پیوندند، با نوع رهبرانی که دارد، میتوان نشان داد. رادیو و تلویزیون و ادعا را خیلی ها میتوانند بکنند. قدرتی که ما جلو میگذاریم را کسی حتی ادعایش را ندارد. باید به این حزب پیوست و هیچ راه دیگری نیست.

این حزب، حزبی است که امروز، همین چند روز پیش اعضای رهبری اش در اطراف شهر مرپوان و در اطراف شهر سنندج با اتکا به نفوذ توده ای شان و با اتکا به قدرت حفاظت نیروی مسلح اش، بصورت علنی، حضور یافته و با مردم گفتگو کرده و سخنرانی نموده است. و این کار را چندین روز ادامه داده است. حزبی است نفوذ توده ای رهبران آن و قدرت نیروی مسلح اش در کنار هم نیروهای جمهوری اسلامی را فلج کرد. این حزب، حزبی است که نیروی مسلح اش، گارد آزادی، را اعلام کرده است. نیروئی که همه میتوان به آن پیوست و ضامن امنیت و آزادی مردم و مانع عراقیزه شدن اوضاع ایران خواهد شد. این حزب، حزبی است که میخواهد و میتواند ظرف یک سال آینده نیروی مسلح اش و حضور سیاسی و تشکیلاتی اش را چند

صداقت و ریشه اش در جامعه بسیار عمیقتر و عظیمتر است. این حزب یک نفوذ توده ای، یک خط، یک قابلیت و یک پتانسیل است.

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بپیوندید!